

# مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در غزلیات پنج شاعر آزادی

دکتر محمود صادقزاده\*

## چکیده

«آزادی» و «وطن» از اصلی‌ترین مفاهیم شعر مشروطه به شمار می‌روند. ملک الشعراء بهار، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، ایرج میرزا و فرخی یزدی نیز از معروف‌ترین چهره‌های ادبیات عصر مشروطه هستند که بیش از دیگران به درون‌مایه‌های آزادی و وطن و مسائل مربوط به آن توجه کرده‌اند. این شاعران حتی پس از برقراری مشروطه در برقراری آرمان‌های آن، در مبارزه با سنت‌های منحط و فاصله‌های طبقاتی اشرافی کوشیدند. آنان فرزند راستین زمانه خود بودند و مسایل و نیازهای اجتماعی عصر بیداری را آن‌گونه که بایست، درک کرده بودند و با روشن بینی در اشعار خویش بازگو کردند و از خواسته‌های اقشار فرودست و طبقه متوسط شهر با زبانی ساده و مؤثر سخن گفتند.

دو شاخصه عمده اشعار آنان، وطن دوستی و آزادی‌خواهی بود و دستیابی به قانون و عدالت را در سایه به دست آوردن آزادی می‌دانستند. هرچند برداشت آنان از این درون‌مایه‌ها کم و بیش متفاوت بود: آزادی و وطن از دیدگاه بهار بیشتر به مفهوم استقلال‌طلبی بود، از دیدگاه عارف و عشقی بیشتر در معنای مبارزه با عناصر سنت‌ها، استبداد ستیزی و ایجاد وطنی آباد و آزاد به کار می‌رفت، از نظر ایرج میرزا بیشتر مبارزه با اشرافیت و حمایت از اقشار زحمت‌کش و دیدگاه فرخی، علاوه بر آزادی‌های اجتماعی و قانون‌گرایی بیشتر از اندیشه‌های جامعه‌اشتراکی تأثیر گرفته بود.

به هرحال، ارجمندی این شاعران در همین صداقت، صمیمیت، مردمی بودن و اندیشه پاک آنان بود. در این جستار، موارد یادشده با تجزیه و تحلیل و مقایسه اشعار و آثار و نیز با بهره‌جستن از مهم‌ترین منابع مربوط به زندگی، شعر و اندیشه آنان بررسی و به صورت کمی‌سنجش و ارزیابی شده است.

## واژه‌های کلیدی

ادبیات مشروطیت، آزادی، وطن، بهار، عارف، میرزاده عشقی، ایرج میرزا، فرخی یزدی.

## مقدمه

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، یزد.

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

ادبیات عصر مشروطیت را آینه‌ای برای انعکاس حال و روز جامعه آن عصر باید دانست، زیرا شکل‌گیری مشروطیت ادبیات این دوره را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد و موجب شد تازگی‌های در ادبیات ایران عصر مشروطه پیدا شود و ادبیات این دوره را هم به لحاظ مضمون و هم به لحاظ شیوه بیان دچار تحوّل و تغییر کند. ادبیات عصر مشروطه تا حد زیادی مردمی شد و از مغلّغ‌گویی‌های خالص مجالس رسمی و ادبی رهایی یافت و نیز به یک ابزار مهم و مؤثر در مبارزه سیاسی تبدیل شد؛ این ادبیات دیگر به وصف معشوق و یا مدح سلاطین دربار نمی‌پرداخت بلکه ندای آزادی و وطن‌خواهی را زمزمه می‌کرد و خواهان شکل‌گیری میهنی آباد و سرشار از عدالت بود. به همین دلیل است که مشروطیت یکی از سیاسی‌ترین دوره‌های ادبی ایران را به خود اختصاص داده است. در نوشته حاضر به طور فشرده، عمده‌ترین مضمون‌های دوره مشروطه، آزادی و وطن در شعر پنج تن از برجسته‌ترین شاعران عصر مشروطه (بهار، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، ایرج میرزا و فرّخی یزدی) تحلیل و بررسی شده است. نخست مضمون آزادی و وطن تعریف شده است، سپس شعر این شاعران به لحاظ کاربرد مضامین آزادی و وطن مقایسه و ارزیابی و در پایان نیز به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

روشنفکران ایرانی از اواخر دوره صفوی تا حدی با افکار و زندگی اروپاییان آشنا شده بودند. این تفکر که بعدها از طریق روسیه و امپراتوری عثمانی و به وسیله زبان ترکی استانبولی در ایران شایع شد و با حضور ملک‌خان سیاست‌پیشه، میرزا فتحعلی آخوندزاده نویسنده و منتقد، سیدجمال‌الدین اسدآبادی متفکر سیاسی - مذهبی قوت گرفت، زمینه را برای طرح کردن مسائل و موضوعات سیاسی و اجتماعی فراهم کرد. (خاتمی، ۱۳۷۸: ۲)

در اواخر دوره قاجار کسانی مانند آخوندزاده و پس از آن میرزا آقاخان کرمانی به شیوه پیشینیان و ادبیات قدیم ایران که به مداحی و ستایشگری می‌پرداختند اعتراض کردند و با نوشتن نمایش‌نامه‌ها و بیانیه‌ها به نقد ادبیات گذشته ایران پرداختند. این گرایش با شدت بیشتری در تفکر شاعرانی چون ایرج‌میرزا، عارف قزوینی، فرّخی یزدی، بهار، میرزاده عشقی شکل گرفت؛ از این رو، می‌توان آنان را از «پیشگامان اشعار سیاسی ایران» دانست.

تحلیل محتوایی دیوان شاعران برجسته دوره مشروطه نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعات سیاسی و اجتماعی شعر این دوره به ترتیب اهمیت و کثرت کاربرد به شرح زیر است:

**الف) موضوعات درجه یک:** تشویق مردم به وطن دوستی، باستان‌گرایی و تفاخر به پیشینه تاریخی، انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی، سرزنش مردم ناآگاه و تلاش برای بیداری ملت.

**ب) موضوعات درجه دو:** ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد، تجلیل از شهیدان و مجاهدان راه آزادی. توجه به علم و تعلیم و تربیت نوین.

**ج) موضوعات درجه سه:** آزادی سیاسی، حمایت از حقوق زنان، حمایت از کارگر و قشر ضعیف جامعه، جمهوری خواهی، مجلس (مخالفت یا موافقت).

البته موضوعات سیاسی و اجتماعی دیگری هم وجود دارد که هر کدام از شاعران دوره مشروطه با توجه به دیدگاه فردی خود به سرودن این گونه اشعار پرداخته‌اند. مانند اشعاری که تنفر شاعر را از جنگ نشان می‌دهد و یا اشعار ضد دینی که در شعر شاعرانی همانند عشقی و ایرج‌میرزا وجود دارد و در دیوان شاعران دیگر از این گونه مضامین وجود ندارد. البته در این تحقیق هدف ما مقایسه مضمون آزادی و وطن در شعر (بهار، عارف، عشقی، ایرج‌میرزا و فرخی یزدی) است. به همین علت فقط به این دو موضوع پرداخته می‌شود. اشعار استفاده شده از پنج شاعر یاد شده بر اساس شماره صفحات به دیوان‌های آنان ارجاع شده است.

## بحث

### ۱- تعاریف:

**الف) آزادی:** در شعر مشروطه، آزادی به مفهوم دموکراسی غربی نزدیک می‌شود و به طور کلی به این معنا است که مردم علاوه بر این که از نظر فردی آزادی‌هایی دارند از نظر اجتماعی نیز می‌توانند سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود و سرزمین خود را معین کنند. (یاحقی، ۱۳۷۸: ۱۶) البته آزادی در این دوره بیشتر در مفهوم حاکمیت قانون، استبداد ستیزی، استقرار حکومت مشروطه و آزادی قلم و اندیشه و... به کار برده می‌شود. به همین علت شعر

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

این دوره، آزادی را در تمام جلوه‌های اجتماعی و سیاسی آن می‌ستاید و آبادی کشور و وطن را در به دست آوردن آزادی ملت و قانون امکان‌پذیر می‌داند. (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۳۹)

ب) وطن: گسترده‌ترین موضوع شعر مشروطه وطن و وطن پرستی است و با وجود آن که وطن دوستی در جامعه ایرانی و تاریخ ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد اما در شعر مشروطه کاربرد خاص یافته و به عنوان یک شعار سیاسی در آمده و با تعبیر متفاوت در حوزه شعر جای گرفته است. وطن در این دوره به معنای سرزمینی است که مردمانی دارای مشترکات قومی، زبانی و فرهنگی در آن زندگی می‌کنند. (یاحقی، همان: ۱۷) وطن در معنای جدید آن یکی از مفاهیم مهم و محوری ناسیونالیسم است و با معنای ملت و دولت ملی ارتباط تنگاتنگ دارد و خود ناسیونالیسم پدیده جدیدی است که سابقه زیادی ندارد و مفهوم جدید وطن در ایران تحت تأثیر اندیشه غربی و در دوره ناصری شناخته و معرفی شد. (آجودانی، همان: ۲۱۲)

در حالی که پیش از پیدایش فلسفه ناسیونالیسم در اروپا «عناصر سازنده آن در ایران وجود داشته و شناخته گردیده بود» (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۶۴) حتی «احساس نوعی همبستگی در میان افراد جامعه ایرانی (بر اساس مجموعه آن عواملی که سازنده مفهوم قومیت هستند) در طول زمان وجود داشته است. «شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۰) البته پیدایش مفهوم جدید وطن در شکل تکامل یافته ناسیونالیستی آن در فرهنگ ایران، تحت تأثیر شرایط استعماری قرن نوزدهم بوده است، به عبارت دیگر شاعران این دوره برای مبارزات ضد استعماری ناگزیر بودند که بیشتر بر ناسیونالیسم ایرانی و گاه اسلامی تکیه کنند؛ به همین علت وطن بزرگ‌ترین درون مایه شاعران دوره مشروطه است و شاعران این دوره تحت تأثیر احساسات ملی و ضد استعماری شعرهای بسیاری برای وطن سرودند. (آجودانی، همان: ۲۲۶)

## ۲- مقایسه مضمون آزادی در اشعار (بهار، عارف، عشقی، ایرج میرزا و فرخی یزدی)

همان‌طور که اشاره شد یکی از مضامین اصلی شعر مشروطیت مفهوم آزادی است. البته باید توجه داشت که شاعران عصر مشروطه به‌رغم این که در کاربرد این واژگان به یکدیگر شباهت داشتند اما به لحاظ دیدگاه و نگاه فکری و سیاسی با یکدیگر تفاوت‌هایی داشتند؛ بین

## مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در غزلیات پنج شاعر آزادی ۱۰۱

آنچه که فرخی از آزادی می‌شناخت با آنچه که بهار، عارف و عشقی از آزادی می‌شناختند، قطعاً تفاوت اساسی وجود داشت.

بهار از جمله شاعرانی که در اشعار خود به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه کرده است. علاوه بر این که دیوان او دارای غزل‌ها و تغزلهای عاشقانه است، اما در غزلیات خود به مفهوم آزادی اشاره کرده است. البته بهار شاعر قصیده‌سراست و در اغلب قصاید خود به مسائل سیاسی و اجتماعی پرداخته است. بهار قصیده‌سرایی است که به جز آزادی و عدالت و قانون‌خواهی ممدوح دیگری برنگزیده است. یاحقی عقیده دارد که «اگر بخواهیم تنها دو مروارید گران‌بها از دریای معانی شعر بهار صید کنیم، آن دو همانا چیزی جز «آزادی» و «وطن» نخواهد بود». (جو بیار لحظه‌ها، ۱۳۷۸: ۳۸) هر چند، آزادی نیز در شعر بهار بیشتر در مفهوم استقلال مام میهن به کار می‌رود.

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست

کار ایران با خداست

مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب‌ها جداست

کار ایران با خداست

(دیوان بهار: ۱۳۵۴)

یا:

ای آزادی، خجسته آزادی

از وصل تو رو برنگردانم

تا آن که مرا به نزد خود خوانی

با آن که تو را به نزد خود خوانم

(دیوان بهار: ۹۸)

عارف شاعر دیگر این دوره است که در غزلیات خود جایگاه معشوق غزل سنتی را به آزادی می‌دهد. در واقع یکی از مایه‌های اصلی شعر عارف آزادی است. عارف مفهوم آزادی را نه تنها در غزلیات خود به کار می‌برد بلکه در تصنیف‌ها و ترانه‌های ماندگار خود این مضامین انتقادی و سیاسی و عدالت‌خواهی را از طریق موسیقی و آواز خوش، خویش به میان مردم برده است. (مهرور، ۱۳۸۲: ۷) به عنوان نمونه:

پیام دوشم از پیر می‌فروش آمد

بنوش باده که یک ملت به هوش آمد

(دیوان عارف: ۱۷۵)

یا

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ♦ سال سوم از دوره جدید ♦ شماره ۱۰

## ۱۰۲ □ مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی

لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست      چه شد که کوه و زشت این قبا به قامت ماست

(همان: ۲۰۶)

میرزاده عشقی از دیگر شعرایی است که شعر خود را در خدمت آزادی قرار داده است. عشقی چاره کار را در انقلاب و خونریزی می‌داند، آن هم درست پس از مشروطه که خون‌ها و شهیدان زیادی را موجب شده بود.

این ملک، یک انقلاب می‌خواهد و بس      خونریزی بی‌حساب می‌خواهد و بس

امروز دگر درخت آزادی ما      از خون من و تو آب می‌خواهد و بس

(دیوان عشقی: ۲۶)

شعر این دوره ستایشگر بزرگ آزادی است. فرخی یزدی عالی‌ترین نمونه‌های شعری را در این زمینه سروده است. در واقع، قدر و قیمت آزادی در نزد فرخی به گونه‌ای دیگر است. اما ایرج در مقایسه با دیگر شاعران عصر مشروطه در اشعار خود از مفهوم آزادی بسیار اندک استفاده کرده است در حالی که فرخی شاعر دیگر این عصر یکی از مضامین اصلی شعرش آزادی بوده است.

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی      دست خود زجان شستم از برای آزادی

(دیوان فرخی: ۹۵)

یا:

جز به آزادی ملت نبود آباد      آه اگر مملکتی ملت آزاد نداشت

(همان: ۱۰۰)

البته آزادی هم در شعر بهار و هم در شعر عشقی و عارف بیشتر در مفهومی مترادف با قانون‌خواهی، آزادی قلم و بیان استعمال شده است. (آجودانی، همان: ۲۳۷) به عنوان مثال هنگامی که بهار می‌سراید:

ملک را آزادی فکر و قلم و قوت فزای      خامه آزاد، نافذتر ز نوک خنجر است

(دیوان بهار: ۷۱۸)

یا زمانی که عشقی می‌سراید:

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

### مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی ۱۰۳

عاشقی را شرط تنها ناله و فریاد نیست      تا کسی از جان شیرین نگذرد، فرهاد نیست  
آفرین بر مجلس ملّی و آزادی فکر      من چه بنویسم؟ قلم در دست کس آزاد نیست

(دیوان عشقی: ۲۹۵)

در شعر فرّخی نیز علاوه بر این که آزادی در مفهوم قانون به کار برده شده است، استقرار آزادی فقط به نیروی قانون امکان‌پذیر است:

چون موجد آزادی ما قانون است      ما محو نمی‌شویم تا قانون است

(دیوان فرّخی: ۲۱۳)

بنا بر این در دوره‌ای که این شاعران زندگی می‌کنند، جامعه ایران، متلاطم و طوفانی و دیدگاه‌های مختلفی رایج است. از این رو، آزادی در شعر فرّخی علاوه بر مفهوم قانون در معنای آزادی رنجبران از ستم سرمایه‌داری، در مفهومی نزدیک با آن چه که در سوسیالیسم از آن مراد است نیز به کار رفته است. (آجودانی، همان: ۲۳۸)

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود      کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود  
در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای      این دو صف را کاملاً از هم جدا باید نمود

(دیوان فرّخی: ۱۲۹)

با این حال، برداشت بیشتر شاعران عصر مشروطه از آزادی، همان چیزی است که عمدتاً در قانون اساسی فرانسه آمده است و متضمّن مفاهیمی همچون: آزادی قلم، آزادی بیان، آزادی احزاب، تساوی همه آحاد ملّت در برابر قانون اساسی و حق حاکمیت ملّت است. به همین جهت شعر این دوره آزادی را در تمام جلوه‌های اجتماعی و سیاسی آن می‌ستاید و آبادی کشور و وطن را در سایه آزادی ملّت و قانون امکان‌پذیر می‌داند. (آجودانی، همان: ۲۳۱)

از مظاهر دیگر آزادی‌خواهی (به همان نوع تلقّی از آزادی که در دموکراسی غربی مطرح می‌شود) مسئله آزادی و حجاب زنان بوده است که به طور گسترده در شعر این دوره منعکس شده است. بهار، عارف، عشقی و ایرج در باب زنان و حقوق آنان اشعار بسیاری سروده‌اند. فرصت و مدّت عمر بهار این اجازه را به او داد تا در مورد زنان و تعلیم و تربیت و حجاب و آزادی آنان اشعاری بسیار به وجود آورد. (حسینی، ۱۳۸۳: ۳). او در این باره می‌سراید:

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

#### ۱۰۴ □ مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی

نشود منقطع از کشور ما این حرکات تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد

(دیوان بهار: ۳۴)

عارف هم در دفاع از حقوق و آزادی زنان از قید و بندهای اجتماعی و فرهنگی و مذهبی، به ویژه حق تحصیل و آزادی پوشش با شجاعت با استبداد و تحجر دینی ملایان در ستیز و مقابله است. (مهرور، همان: ۲۵)

ترک حجاب بایست ای ماه رونگیر در گوش، وعظ واعظ بی آبرو مگیر

(دیوان عارف، ۱۳۷۵)

در میان شاعران مشروطه، میرزاده عشقی و ایرج میرزا بیشتر در مورد زنان و حقوق آنان شعر سروده‌اند. یکی از مضامین اصلی اشعار میرزاده مسئله زنان و در پرده بودن آنان است و او شدیدترین حملات را در باره این مسئله بیان می‌کند:

مر مرا هیچ گنه نیست جز آن که ز من زین گناه است که تا زنده‌ام اندر کفنم  
زنان کشور ما زنده‌اند و در کفن‌اند که این اصول سیه بخت از سیه رخت است

(میرزاده عشقی: ۲۱۴)

ایرج نیز به مانند عشقی موضع سختی در برابر حجاب و برخی از روحانیون دارد:  
خدایا تا کی این مردان به خواب‌اند زنان تا کی گرفتار حجاب‌اند

(دیوان ایرج: ۴۶)

با این همه، فرخی با مسئله حجاب برخورد خاص خود را داشته است. عشقی، عارف و ایرج حجاب را به عنوان مهم‌ترین عامل عقب ماندگی جامعه معرفی می‌کنند در حالی که دیدگاه فرخی با آن‌ها متفاوت است. او اعتقاد دارد که علت اصلی سیاه‌روزی زنان، شرایط نابسامان اجتماعی بوده است. فرخی نیز به مانند دیگر شاعران مشروطه به مسئله زن و حجاب آنان توجه داشته و این مضمون را در اشعار خود به کار برده است. (آجودانی، همان: ۲۴۰)

در میان شاعران مشروطه نام ایرج به عنوان شاعر ستاینده مادر وزن زبان زد خاص و عام شده است و به عنوان شاعر مادر لقب گرفته است. (یاحقی، همان: ۳۲)

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰



### ۳- مقایسه مضمون وطن در اشعار (بهار، عارف، عشقی، ایرج‌میرزا، فرّخی یزدی)

یکی از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های همه شاعران این دوره مفهوم وطن است. بهار به دلیل آگاهی، هیجان، شیفتگی زیاد نسبت به گذشته ایران، مایه‌های وطنی در اشعارش بسیار مشاهده می‌شود. (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۲۹۲) بهار حال و هوای شعرهای وطنی آن دوره را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

ای خطّه ایران کهن، ای وطن من  
ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من  
ای عاصمه دینی آباد که شد باز  
آشفته کنارت چو دل پر حزن من

(دیوان بهار: ۲۱۶)

عارف نیز شاعر پرشور وطن است و یکی از مضامین اصلی شعر عارف عشق به وطن و ملت است که پیش از وی در شعر فارسی چندان شناخته شده نبود و او وارد فرهنگ ملی ایران و زبان شعر خود کرده است. عارف مفهوم وطن را به مانند مفهوم آزادی علاوه بر این که در غزلیات خود به کار برده است، در تصنیف‌های خود نیز به کار می‌برد. به عنوان نمونه از تصنیف‌های مشهور عارف تصنیفی است که در دوره دوم مجلس شورای ملی به یاد وطن و شهادتی که برای وطن جان خود را از دست داده‌اند سروده است. (مهرور، همان: ۵۴)

هنگام می و فصل گل و گشت (جانم گشت، خداگشت) چمن شد

از ابر کرم خطه ری رشگ ختن شد

دل تنگ چو من مرغ قفس بهر وطن شد

چه کج رفتاری ای چرخ، چه بدکرداری ای چرخ، سر کین داری ای چرخ، نه دین داری،

نه آیین داری ای چرخ!

از خون جوانان وطن لاله دمیده

از ماتم سرو قدشان سرو خمیده

در سایه گل بلبل از این غصّه خزیده

گل نیز چون من در غمشان جامه دریده

چه کج رفتاری ای چرخ...

(دیوان عارف: ۳۶۰)

و یا در غزلی دیگر، ناله مرغ اسیر را بهر وطن می‌داند:

## ۱۰۶ □ مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی

ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است      مسلک مرغ گرفتار قفس هم چو من است

(همان: ۲۰۲)

میرزاده عشقی یکی دیگر از نمایندگان برجسته مفهوم وطن است و در اشعار خود از مایه‌های وطنی فراوان استفاده کرده است.

عشق نه سرسری است که از سر به در شود      مهرت نه عارضیست که جای دگر شود

معشوق عشق، ای وطن، ای عشق پاک      ای آن که ذکر عشق تو شام و سحر کنم

(دیوان عشقی: ۲۵۶)

یکی از مهم‌ترین مایه‌های شعر فرّخی‌یزدی، نیز وطن خواهی و ملی‌گرایی است. در واقع فرّخی به مانند بهار بر افتخارات و عظمت‌های ایران باستان اشاره می‌کند:

این همان ایران که منزلگاه کیکاوس بود      خوابگاه داریوش و مأمن سیروس بود

جای زال و رستم گودرز و گیو و طوس بود      نی چنین پامال جور انگلیس و روس بود

این همه از بی حسی ما بود که افسرده‌ایم      مردگان زنده، بلکه زندگان مرده‌ایم

این وطن رزم آوری مانند قارون دیده است      وقعه گرشاسب و جنگ تهمتن دیده است

هوشمندی هم چو جاماسی و پشتون دیده است      شوکت گشتاس و دارایی بهمن دیده است

ای بی‌شور مردم عرق ایران کجاست؟      شد وطن از دست آیین مسلمان کجاست؟

ایرج‌میرزا هم از شاعرانی است که درباره وطن و وطن‌پرستی سخن گفته است. یکی از اشعار مؤثر ایرج درباره وطن قطعه‌ای است که در رثای محمد تقی خان پسیان سروده و مطلع آن چنین است:

دلم به حال تو ای دوستدار ایران سوخت      که چون تو شیر نری در این کنام کنند

(دیوان ایرج: ۱۸۳)

اگر چه بیشتر شاعران دوره مشروطه مفهوم تازه و گاه متفاوتی از وطن برداشت می‌کنند، باز می‌توان جلوه‌های خاصی از این مفهوم را در شعر این روزگار نشان داد. در واقع در این دوره دو نوع اندیشه‌ی وطن‌خواهی شکل می‌گیرد. یک اندیشه‌ای که کاملاً رنگ ایرانی دارد و بیشتر تحت تأثیر نگرش اروپاییان، «وطن مجرد از رنگ و بوی اسلامی آن» مطرح است (شفیعی کدکنی، همان: ۲۲)، دیگر اندیشه‌ی که با آمیزه‌ای از «ایران و اسلام ترکیب شده و

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

## مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی ۱۰۷

به کمک مفهوم جدید وطن به ترسیم ایران اسلامی می‌پردازد. (آجودانی، همان: ۲۲۸) عشقی از نمایندگان برجسته ناسیونالیسم از نوع خالص ایرانی است که در اشعارش گاه با نوعی شووینیزم و تحقیر ملل مختلف روبه رو می‌شویم. این ویژگی در سروده‌های عارف قزوینی هم دیده می‌شود او نیز به مانند عشقی به ناسیونالیستی خالص از نوع صرفاً ایرانی عقیده داشت. (همان: ۲۲۹)

مرا قومیت از زرتشت و گشتاسب بود	به پیشانی باز این فخر از پیشینیان دارم
مسلمان یا که ترسا این دو در دستور ملت	ندارد فرق زان بیگانگی با این و آن دارم

(دیوان عارف: ۴۲۵)

یا اشعاری از میرزاده عشقی که اندیشه‌های وطن خواهی و ناسیونالیستی خود را در شعر خود منعکس می‌کند:

ایمن بود گهواره ساسانیان	بنگه تاریخ ایرانیان
قدرت و علمش چنان آباد کرد	ضعف و جهلش این چنین برباد کرد
ای مداین از تو این قصر خراب	باید ایرانی زخجلت گردد آب

(دیوان عشقی: ۲۳۳)

اما وطن خواهی در نزد بهار به گونه‌ای دیگر است. بهار علاوه بر این که بر گذشته و افتخارات ایران تکیه می‌کند و آن را در اشعارش به کار می‌برد، وطنی می‌خواهد که از ایران و اسلام ترکیب شده باشد و به کمک این معنای جدید به ترسیم ایران اسلامی می‌پردازد. (آجودانی، همان: ۲۲۸)

آن روز چه شد که ایران ز انوار عدالت	چون خلد برین کرد زمین را و زمان را؟
آن روز که از بیخ کهن سال فریدون	برخاست منوچهر و بگسترده فتن را...
آن روز کجا شد که ز پنجاب و ز کشمیر	اسلام بون کرد و ثن را و شمن را؟
و آن روز که شمشیر قلباش بر آشفته	در دیده رومی به شب تیره و سن را
و آن گه به کف آورد به شمشیر مکافات	پیشاور و دهلی، لهاور و دکن را
و آن ملک ببخشید و شد سو بخارا	وز بیم بلرزاند بدخشان و پکن را

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

یا رب تو نگهبان دل اهل وطن باش که امید به ایشان بود ایران کهن را...

(دیوان بهار: ۲۱۰)

فرّخی نیز به مانند عارف و میرزاده عشقی بر اندیشه‌های ناسیونالیستی و وطن‌خواهی و قهرمانان اساطیری تکیه دارد. او بیش از شاعران دوره مشروطه به قهرمانان ملی، دینی و تاریخی یا داستانی اشاره کرده است. این ویژگی علاوه بر این که انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی و مسلکی او را نشان می‌دهد، نشان‌گر اطلاعات وسیع او درباره اساطیر و تاریخ ملی، دینی ایران است. (گرد فرامرزی، ۱۳۸۱: ۴۵) علاقه و اشتیاق فرّخی در به کار بردن اساطیر و مسایل ملی به حدّی است که حتّی در موضوعاتی که جنبه سیاسی ندارد و صرفاً توصیف طبیعت و مظاهر آن است، نیز به اساطیر و شخصیت‌های قهرمانی و داستانی اشاره می‌کند. به عنوان نمونه در مسمط «بهاریه» زیر می‌سراید:

سوزد اشکوفه سیامک سان از شاخ درخت      تا کیومرث بهار آمد و بنشست به تخت  
بست طهمورث بر دیو محن سلسله سخت..      غنچه پوشیده چو هوشنگ زمردگون رخت

(دیوان فرّخی، همان: ۱۹۳)

در میان شاعران مشروطه با آن‌که چند شعر از ایرج در ستایش وطن و وطن‌پرستی وجود دارد اما او هرگز ناسیونالیست نبوده است، آن‌گونه که بهار، عارف و عشقی بوده‌اند. از این رو، مایه‌های وطنی در اشعار او بسیار اندک است. ایرج تلاش می‌کند با زبانی ساده که خاصّ او است به کودکان درس وطن دوستی بیاموزد.

همه از خاک پاک ایرانیم      ما که اطفال این دبستانیم  
درس حب الوطن همی خوانیم      شکر داریم کز طفولیت

(دیوان ایرج: ۹۸)

#### ۴- سنجش و ارزیابی

##### ۱- کاربرد «آزادی» و «وطن» در شعر بهار

##### الف آزادی

از وصل تو رو برنگردانم      ای آزادی، خجسته آزادی

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی ۱۰۹

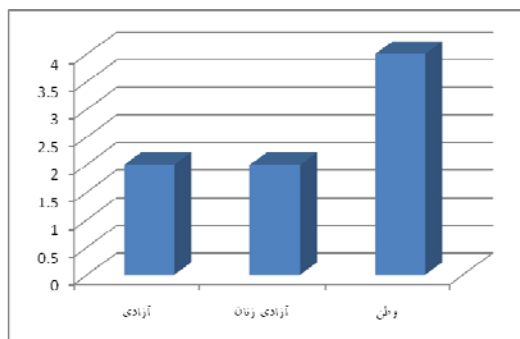
- یا آن که تو را به نزد خود خوانم      تا آن که مرا به نزد خود خوانی  
(دیوان بهار، همان: ۹۸)
- فرسود به تن، درشت خفتانم      در عرصه گیسر و دار آزادی  
(همان: ۳۲۷)
- ما محو نمی‌شویم تا قانون است      چون موجد آزادی ما قانون است  
(همان: ۶۱۴)

ب) مسئله زن و آزادی آنان

- تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد      نشود منقطع از کشورها این حرکات  
که زن آزادتر اندر پس معجر باشد      حفظ ناموس ز معجر نتوان خواست بهار  
(همان: ۳۱۲)

ج) وطن

- که امید پریشان بود ایران کهن را      یا رب تو نگهبان دل اهل وطن باش  
(همان: ۴۹۸)
- ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من      ای خطه ایران مهین، ای وطن من  
(همان: ۸۰۲)
- ایران مال شماسست، ایران مال شماسست      بر این یتیم و غریب نیکی آیین ماست  
(همان: ۲۲۰)
- ای خصم، وطن را شده سابق، به چه کارید؟      ایران به دم کلام نهنگست، خدا را  
ای مرگ وطن را شده شایق، به کارید؟      بیچاره وطن در دم نزعست، دریغا  
(همان: ۶۷۶)



نمودار شماره ۱: مضمون (آزادی و وطن) در شعر بهار

همان‌گونه که در این نمودار مشاهده می‌شود، از مقایسه هشت نمونه از اشعار شاعر یادشده، چهار مضمون درباره وطن، سه مضمون درباره آزادی و یک مضمون درباره آزادی زنان است.

## ۲- عارف قزوینی الف) آزادی

چه شد که کوتاه و زشت این قبا به قامت ماست  
لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست  
(دیوان عارف: ۲۰۶)

که این جواب زورگویی‌های روس ژاژخاست  
نعره یا مرگ یا آزادی ملت به جاست  
(همان: ۲۵۰)

## ب) مسئله زن و آزادی زنان

در این میان من و صد دشت زن، سپاه من است  
حقوق خویش ز مردان اگر زنان گیرند  
(همان: ۲۲۹)

در گوش، وعظ واعظ بی آبرو مگیر  
تَرَکِ حجاب بایسد ای ماه رومگیر  
(همان: ۲۱۲)

## ج) وطن

ز عشق هر که شوم کشته، زاده وطن است  
مر از عشق وطن دل به این خوش است که گر  
(همان: ۲۶۸)

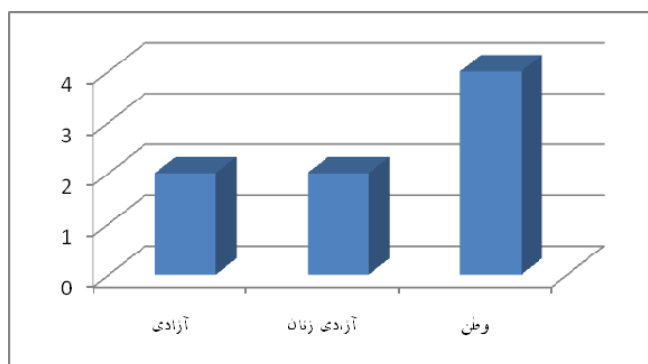
□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

### مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی ۱۱۱

به پریشان وطنسازد و سامان گیرد      دل اگر جا به سر طره جانان گیرد  
(همان: ۲۱۶)

عارف هر آن کس که کند یاد زنده باد      بر خاک عاشقان وطن گر کند عبور  
(همان: ۲۳۴)

کنم چه چاره که این‌جا پناهگاه من است      خرابه‌ای شده ایران و مسکن دزدان  
خوشم به مرگ، که این دوست، خیرخواه من است      اگر چه عشق وطن می‌کشد مرا اما  
(همان: ۲۱۱)



نمودار شماره ۲: مضمون (آزادی و وطن) در شعر عارف قزوینی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از میان همان تعداد اشعار بررسی شده چهار مضمون در باره وطن، دو مضمون در باره آزادی زنان، یک مضمون در باره آزادی است. از این رو، هرچند بهار و عارف هر دو دغدغه وطن داشته‌اند، اما بهار بیشتر به آزادی ملت و اجتماع (البته بیشتر در مفهوم استقلال مام وطن) می‌اندیشد، در حالی که عارف بیشتر آزادی زنان را می‌خواهد.

### ۳- میرزاده عشقی

#### الف) آزادی

از خون من و تو آب می‌خواهد و بس      امروز دگر درخت آزادی ما  
(دیوان عشقی، همان: ۲۴۸)

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

## ۱۱۲ □ مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی

تا کس از جان شیرین نگذرد، فرهاد نیست  
عاشقی را شرط تنها ناله و فریاد نیست  
من چه بنویسم؟ قلم در دست کس آزاد نیست  
آفرین بر مجلس مآلی و آزادی فکر  
(همان: ۲۹۵۴)

### ب) مسئله زن و آزادی زنان

که این اصول سیه‌بخت از سیه‌رخت است  
زنان کشور ما زنده‌اند و در کفن‌اند  
(همان: ۳۷۳)

تو سیه بخت و بدبخت چو بخت تو منم  
مر مرا هیچ گنه نیست به جز آن که زخم  
(همان: ۲۱۴)

از عشق وطن سرشت آب و گل من  
عشقی به خدا همان که می‌گفت خدا  
(همان: ۲۱۲)

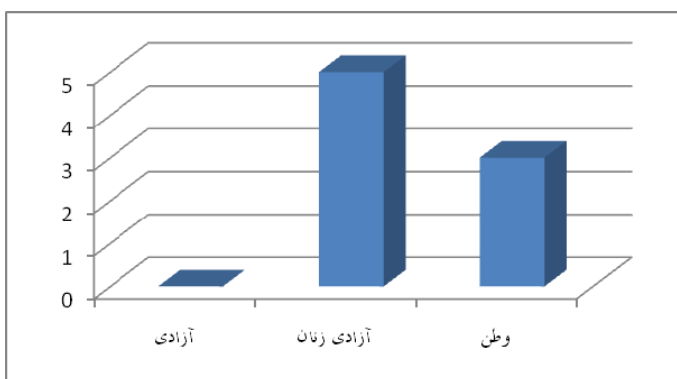
معشوق و عشق ای وطن، ای عشق پاک  
ای آن که ذکر عشق تو شام و سحر می‌کنم  
(همان: ۲۵۶)

ای دوست! بین بی‌سر و سامان ایران  
ناامن ایران و پریشان ایران  
(همان: ۳۵۵)

تا سینه خود را هدف تیر بلا کرد  
با دشمن خون خوار وطن پنجه در افکند  
تا جان به بدن داشت ز دل شور و نوا کرد  
چون بلبل شو دیده ز عشق وطن خویش  
(همان: ۱۹۸)

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰





نمودار شماره ۳: بررسی (آزادی و وطن) در شعر میرزاده عشقی

مفاهیم بررسی شده در این نمودار بیانگر آن است که عشقی و عارف در کاربرد سه مفهوم یاد شده مشترکند، با این تفاوت که عشقی بیشتر به آزادی زنان می‌اندیشد.

#### ۴- ایرج میرزا

##### الف) مسئله زن و آزادی زنان

زنان تا کی گرفتار حجابند	خدایا تا کی این مردان به خواب‌اند
نه چادر لازم و نه چاقچو راست	زنان را عصمت و عفت ضرور است
(همان: ۷۹)	
رواق جان به نور بینش افروخت	چون زن تعلیم دید و دانش آموخت
به دریا گر بیفتد تر نگردهد	به هیچ افسون ز عصمت بر نگردهد
(همان: ۴۶)	
در این محنت سراسر بار مرد است	در اقطار دگر زن یار مرد است
در این جا مرد باید جان کند فرد	به هر جا زن بود هم‌پیشه با مرد
(همان: ۸۶)	

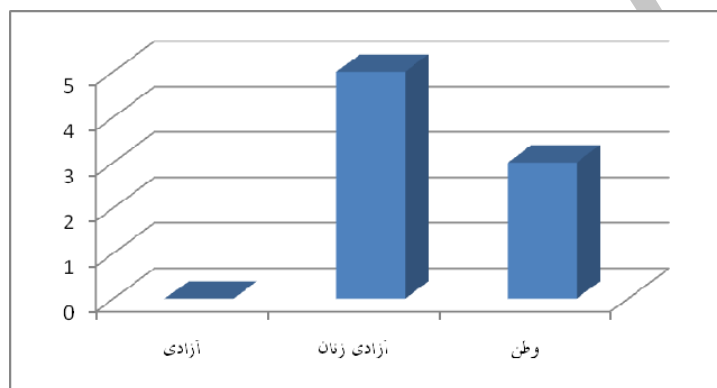
□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

۱۱۴ □ مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی

خلاف نص قرآن مبین است      حجاب دست و صورت هم یقین است  
 چرا که هر چه کند حیلہ در حجاب کند      فقیه شهر را به حجاب مایل نیست  
 (همان: ۴۸)  
 (همان: ۳۲)

ب) وطن

همه از خاک پاک ایرانیم      ما که اطفال این دبستانیم  
 درس حب الوطن هم خوانیم      شکر داریم کز طفولیت  
 (دیوان ایرج: ۷۵)  
 دلم به حال تو ای دوست دار ایران سوخت      که چون تو شیر نر در این کنام کنند  
 (همان: ۱۸۳)  
 همه جا، موطن هر مرد و زن است      همه عالم، همه کس را وطن است  
 می‌روم لیک ندانم به کجا      من هم از درد وطن با رفقا  
 (همان: ۳۹)



نمودار شماره ۴: مضامین (آزادی و وطن) در شعر ایرج میرزا

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

مقایسه مفاهیم وطن و آزادی در عزلیات پنج شاعر آزادی ۱۱۵

همان‌طور که در نمودار شماره چهار مشاهده می‌شود از نمونه اشعار بررسی شده، پنج مضمون در باره آزادی زنان و سه مضمون در باره وطن است؛ بنابراین ایرج میرزا، عشقی و عارف کم و بیش از این نظر همانند هستند.

## ۵- فرخی یزدی

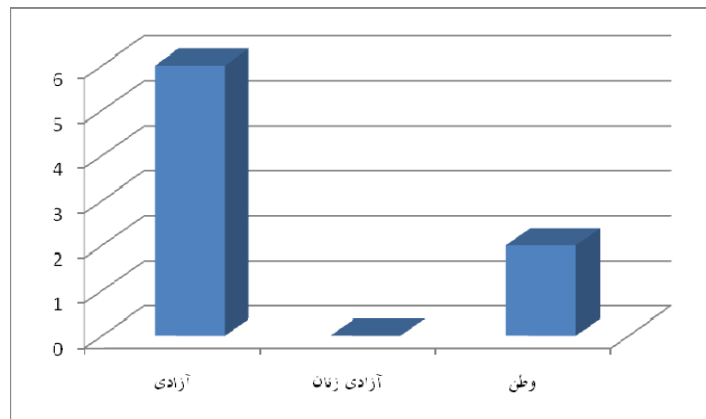
### الف) آزادی

تا که استبداد سر در پا آزادی نهد	دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید گرفت
قسم به عزت و قدر و مقام آزادی	که روح بخش جهان است نام آزادی
آن زمان که بنهادم سر به پا آزادی	دست خود ز جان شستم از برای آزادی
شاهد زیبای آزادی خدایا پس کجاست؟	مقدم او را به جان بازی اگر پذیرفته‌ایم
اهریمن استبداد، آزاد ما را کشت	نه صبر و سکون جایز، نه حوصله باید کرد
جز به آزادی ملت نبود آبادی	آه اگر مملکتی ملت آزاد نداشت
	(دیوان فرخی: ۹)
	(همان: ۱۸۱)
	(همان: ۱۷۷)
	(همان: ۱۶۴)
	(همان: ۱۱۹)
	(همان: ۱۰۰)

### ب) وطن

همت ز آن که وطن رفت چو اسلام ز دست	ای وطن پرور ایران اسلام‌پرست
شد وطن از دست، آیین مسلمان کجاست	آخر ای بی‌شور مردم عرق ایران کجاست؟
	(همان: ۱۹۲)
	(همان: ۱۸۷)

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰



نمودار شماره ۶: مضامین (آزادی و وطن) در اشعار فرخی یزدی

نتایج این نمودار، بیانگر این نکته است که فرخی یزدی، آزادی و قانون را ضامن استقلال مام وطن و برقراری حقوق اجتماعی و عدالت می‌داند. هرچند، آزادی از دیدگاه وی گاهی در مفهوم آزادی جامعه کارگری و برقراری حکومت کارگران و زحمت کشان است.

### نتیجه

ردیف	مندرجات	آزادی		آزاد زنان		وطن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	ملک الشعرا بهار	۳	۲۳	۱	۱۰	۴	۲۳/۵
۲	عارف قزوینی	۲	۱۵/۳	۲	۲۰	۴	۲۳/۵
۳	میرزاده عشقی	۲	۱۵/۳	۲	۲۰	۴	۲۳/۵
۴	ایرج میرزا	۰	۰	۵	۵۰	۳	۱۷/۴
۵	فرخی یزدی	۶	۴۶/۱	۰	۰	۰	۱۱/۷

نمودار شماره ۶: مقایسه مضامین (آزادی و وطن) در اشعار بهار، عارف، عشقی، ایرج میرزا و فرخی یزدی

□ فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۱۰

با شکل‌گیری مشروطیت مضامین جدیدی همانند: آزادی و وطن در عرصه شعر فارسی وارد شد و شعر این دوره را به لحاظ کاربرد مفاهیم دچار دگرگونی ساخت. این دگرگونی در شعر برجسته‌ترین نمایندگان مشروطه، یعنی: ملک الشعرای بهار، میرزاده عشقی، ایرج میرزا، عارف قزوینی و فرّخی یزدی بیش از دیگران تأثیر گذاشت و شاعران یادشده از مضمون آزادی و وطن در اشعار خود بهره بردند.

بهار شاعر میهن پرست است و در اشعار خود بر مفهوم آزادی و وطن تأکید دارد. عشقی، عاشق وطن است و شعر خود را در خدمت سیاست و جامعه خویش قرار می‌دهد و علی‌رغم عمر کوتاه خود، بسیار به جامعه و مردم خدمت می‌کند. او در اشعار خود بر مفهوم آزادی تأکید دارد و امیدوار است که زمانی وطن او به این آزادی دست یابد. عارف از دیگر شاعرانی است که در راه به دست آوردن میهنی آباد و آزاد تلاش می‌کند و شعر خود را در خدمت جامعه خویش قرار می‌دهد. ایرج نیز اگر چه به طور مستقیم خود را وارد مسائل سیاسی نمی‌کند اما در اشعار خود به مسائل جامعه و کشور خود اهمیت می‌دهد.

اما در میان شاعران مشروطه فرّخی بیش از هر شاعر دیگری شعر خود را در خدمت آزادی و وطن قرار داده است با این حال شاعران عصر مشروطه، بهار، عارف، میرزاده عشقی، ایرج و فرّخی به طور صریح و مستقیم بر مضمون آزادی و وطن در اشعار خود تأکید داشتند و هر کدام با توجه به دیدگاه سیاسی خود این دو مضمون را در شعر خود به کار برده‌اند.

### منابع و مأخذ

- ۱- آجودانی، ماشاءالله. یا مرگ یا تجدد. (۳جلد)؛ تهران: اختران، ۱۳۸۲.
- ۲- بهار، محمدتقی (ملک الشعرا). دیوان اشعار. چ ۳؛ به کوشش: محمد ملک‌زاده. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- ۳- حسینی، مریم. سیمای زن در مجموعه اشعار بهار. تهران: همایش بزرگداشت بهار، ۱۳۸۳.
- ۴- خالقی، احمد. مضامین سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطه. تهران، ۱۳۸۷.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین. با کاروان حله. چ. ۱۳. تهران: علمی، ۱۳۸۲.
- ۶- سلطانی گردفرامری، علی. «بازگشت فرخی به تاریخ و افسانه»؛ یزد: کاوش‌نامه، مجله علوم انسانی دانشگاه یزد، س ۳، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
- ۷- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: توس.
- ۸- مهرور، زکریا. زندگانی و آثار عارف. تهران: تیرگان، ۱۳۸۲.
- ۹- عارف‌قزوینی، ابوالقاسم. دیوان عارف. به کوشش: عبدالرحمان سیف‌آزاد. تهران: علمی، ۱۳۷۵.
- ۱۰- فرخی یزدی، محمد. دیوان فرخی. چ ۹، به کوشش: حسین مکی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۱- میرزاده‌عشقی، محمدرضا. کلیات مصور عشقی. به کوشش: علی اکبرمشیر سلیمی. چ ۷. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۱۲- یاحقی، محمدجعفر. جویبار لحظه‌ها. تهران: جامی، ۱۳۸۷.